



## درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵/ اردیبهشت/ ۱۳۹۸

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

مصادف با: ۲۹ شعبان ۱۴۴۰

موضوع جزئی: دو اشکال تاریخی به نهج البلاغه و بررسی آنها

جلسه: ۲

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته اجمالاً گفته شد قبل از سید رضی نیز برخی خطب و نامه‌های امیرالمؤمنین جمع‌آوری شده بود. همچنین درباره چگونگی پیدایش نهج البلاغه و کاستی‌های نهج البلاغه مطالبی را عرض کردیم و گفتیم دو کاستی در نهج البلاغه دیده می‌شود:

۱. کتاب نهج البلاغه مشتمل بر همه سخنان، خطب، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) نیست.
۲. اسناد و مأخذ این کلمات بیان نشده است.

البته شاید عدم ذکر مأخذ در این سنخ از آثار یک امر معمول بوده است و لذا گفتیم برای جبران این دو کاستی، تلاش‌هایی صورت گرفته که آخرین آن‌ها کتابی است به عنوان تمام نهج البلاغه که هم سایر سخنان حضرت علی (ع) در آن آورده شده و هم اسناد آن‌ها ذکر شده است.

### دو اشکال تاریخی به نهج البلاغه

در مورد نهج البلاغه اشکالات یا شبهاتی از قدیم الایام مطرح بوده و کماکان این اشکالات در برخی از کتاب‌ها طرح می‌شود، هرچند ممکن است از جهاتی با هم متفاوت باشند. عمده اشکالات که در واقع در برخی از کتاب‌ها در قرون گذشته ذکر شده، دو مطلب است:

۱. این کتاب مربوط به سید مرتضی است نه سید رضی.

۲. این کتاب نوشته و تألیف خود سید رضی یا سید مرتضی است نه سخنان امیرالمؤمنین (ع).

این‌ها اساس اشکالات است، می‌گویند: این کلمات به حضرت علی (ع) نسبت داده شده و این مطالب از حضرت علی (ع) نیست. سپس شواهد متعددی را بر این ادعا بیان کرده‌اند. عمده این شواهد را مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی در کتاب «ما هو نهج البلاغه» ذکر کرده و به آن‌ها پاسخ داده است. به طور کلی چیزی در حدود ده شبهه مطرح کردند و پاسخ دادند. به غیر از آن در برخی از کتاب‌ها شبهات دیگری مطرح شده که اجمالاً سعی می‌کنیم این شبهات را متعرض شویم و پاسخ دهیم. اما ریشه و اساس این شبهات این است که این سخنان از امیرالمؤمنین (ع) نیست و اشکالات دیگر حکم شاهد و تأیید برای این ادعا است.

۱. سخن ابن خلکان: از کسانی که این اشکال را مطرح کرده ابن خلکان است (م ۶۸۱ ه ق)؛ این مورخ مشهور در شرح حال سید مرتضی می‌نویسد: مردم (که شاید اشاره به اهل سنت باشد) درباره کتاب نهج البلاغه که مجموعه‌ای از سخنان امام علی ابن ابی طالب رضی الله عنه است اختلاف نظر دارند که آیا آن را سید مرتضی جمع آوری کرده یا برادرش سید رضی و همچنین گفته‌اند نهج البلاغه از سخنان علی (ع) نیست بلکه کسی آن را جمع آوری کرده و به آن حضرت نسبت داده است.<sup>۱</sup> این عبارت مشتمل بر همین دو شبهه است، یعنی هم در انتساب نهج البلاغه به حضرت علی (ع) و هم در مورد مؤلف آن خدشه کرده است. البته وجهش دیگر بیان نکرده است.

۲. سخن ابن حجر عسقلانی: نظیر همین مطلب را ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ه ق) در لسان المیزان مطرح کرده است. او در مورد سید مرتضی می‌نویسد: او متهم است که نهج البلاغه را ساخته و پرداخته کرده است (اینجا دیگر تردید را کنار گذاشته و کتاب را به سید مرتضی نسبت داده است) سپس در ادامه می‌گوید: هر کسی نهج البلاغه را مطالعه کند یقین پیدا می‌کند که به دروغ آن را به امیرالمؤمنین علی (ع) رضی الله عنه منسوب کرده اند زیرا در این کتاب صریحاً به دو سرور ما ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بدگویی شده است. اضافه‌ای که ابن حجر نسبت به ابن خلکان دارد همین است که یک شاهدهی بر اینکه این کتاب سخنان حضرت علی (ع) نیست را همین قرار داده است که به دو تن از خلفاء در این کتاب بدگویی شده است.

شاهد دیگر او نیز این است که می‌گوید: به علاوه در این کتاب تناقض و چیزهای رکیک و عباراتی است که از صحابه قریشی و شاگردان ایشان بعید است. این خود دلیل است که به طور قطع اکثر مطالب نهج البلاغه باطل و بیهوده است.<sup>۲</sup> البته ابن حجر عسقلانی در تدروی و اظهاراتی از این دست شهرت و سابقه دارد. به هر حال شبهاتی که این دو نفر در قرن هفتم و قرن نهم مطرح کردند عمدتاً همین دو شبهه است.

لذا مجموعاً این دو شبهه یعنی شبهه عدم تألیف نهج البلاغه توسط سید رضی و شبهه عدم صحت انتساب این کتاب کلاً او بعضاً به حضرت علی (ع) مطرح است. زیرا عسقلانی ادعا کرده اکثر مطالب نهج البلاغه باطل و بیهوده است ولی برخی دیگر معتقدند همان بخشی که به نقد خلفاء مربوط می‌شود منسوب به امیرالمؤمنین (ع) است در حالیکه از حضرت علی (ع) نیست و به طور مشخص خطبه ششقیه را مورد اشکال قرار می‌دهند که این با سلوک علی ابن ابی طالب (ع) سازگار نیست.

### **بررسی دو اشکال تاریخی به نهج البلاغه**

حال این دو ادعا باید در ترازوی نقد و بررسی قرار بگیرد و ببینیم آیا این سخنان واقعاً از حضرت علی (ع) است یا ساخته و پرداخته ذهن سید رضی یا سید مرتضی است.

### **پاسخ اشکال اول**

در اینکه این کتاب تألیف سید رضی است تردیدی نیست. شاید افراد قلیلی باشند که فائلند این کتاب تألیف سید مرتضی است. از جمله ابن خلکان که اشاره به اختلاف کرده و گفته مردم اختلاف دارند در اینکه این کتاب اثر سید رضی است یا سید مرتضی، ولی کثیری از عالمان اهل سنت و همچنین عالمان شیعه، کتاب‌های تراجم، کتاب‌هایی که شرح حال دانشمندان و مؤلفین و صاحبان اثر

<sup>۱</sup> وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳.

<sup>۲</sup> لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۲۳.

را در بین عالمان شیعه بیان کردند تردیدی در اینکه گرد آورنده نهج البلاغه سید رضی است ندارند و از بین علمای اهل سنت نیز افراد بسیاری این عقیده را دارند.

### پاسخ اشکال دوم

شبهه عمده این است که این کتاب ساخته و پرداخته آن‌ها است نه سخنان شخص حضرت علی(ع).  
بر اینکه این سخنان از امیرالمؤمنین(ع) است نه سید رضی، چند دلیل و شاهد قوی می‌توانیم بیان کنیم.

### شاهد اول

یکی از مهمترین شواهد اذعان خود سید رضی در مقدمه کتاب است. او شخصی عالم، دانشمند، مورد وثوق، اهل زهد، دیانت بود و هیچ کس در مورد او گزارشی که حاکی از عدم وثاقت او باشد نقل نکرده است. او آنقدر مورد اعتماد بود که در برخی از کتاب‌ها نوشته‌اند او دوستی داشت به نام ابو اسحاق صابی که مسلمان نبود ولی اهل ادب و شعر و فن بلاغت بود لذا مراداتی با سید رضی داشت. او به حدی به سید رضی احترام می‌گذاشت که با اینکه مسلمان نبود به خاطر سید رضی در ماه رمضان روزه می‌گرفت و خود سید رضی نیز با اینکه می‌دانست او مسلمان نیست روابط بسیار حسنه‌ای با ابواسحاق داشت. یعنی هیچ نشانه‌ای از یک تعصب دینی در برابر این عالم غیر مسلمان از خودش نشان نداده است. حال کسی که معروف به تدین، حریت، دین‌داری و وثاقت است در مقدمه کتاب اعتراف و تصریح می‌کند که چه شد که این کتاب را جمع‌آوری و گردآوری کرده است. اگر خاطرتان باشد عبارت ایشان را دیروز خواندم که من در عنفوان جوانی به فکر این افتادم که خصائص ائمه را گردآوری و جمع کنم ولی مشکلات و مصائب نگذاشت که آن را تمام کنم. سپس می‌فرماید: فصلی و بابی را قرار دادم که کلمات قصار آن حضرت را جمع کردم نه سخنان و خطب طویله و نامه‌ها را؛ زمانی که دوستان این اثر را دیدند مایه شگفتی آن‌ها شد و از من خواستند خطب و نامه‌ها را نیز ضمیمه کنم؛ سید رضی می‌فرماید: «... رأیت کلامه(ع) یدور علی أقطاب ثلاثة أولها الخطب و الأوامر و ثانيها الكتب و الرسائل و ثالثها الحكم و المواعظ؛ فأجمعت بتوفيق الله تعالى على الابتداء باختيار محاسن الخطب ثم محاسن الكتب ثم محاسن الحكم و الأدب...»<sup>۱</sup> او تصریح می‌کند که چه شد به این وادی کشیده شده که سخنان حضرت را جمع‌آوری کند. در همین مقدمه چند جا به وضوح می‌توانیم استفاده کنیم که او سخنان حضرت علی(ع) را جمع کرده است. سر انجام هم بیان می‌کند که امیدوارم که این عمل برای من مفید باشد. در واقع کأنه این یک شهادتی از سید رضی است بر اینکه این سخنان، سخنان حضرت علی(ع) است.

این جا دو بحث باید از هم تفکیک شود، اگر خاطرتان باشد در بحث رجال در مورد اعتبار کتاب‌های اربعه (من لایحضر الفقیه، استبصار، تهذیب و کافی) این بحث را داشتیم که آیا همه روایات این کتب معتبر است یا خیر؟ اختلاف است که آیا تمامی این روایات معتبر است یا خیر؟ یکی از اموری که مورد استشهاد قرار می‌گرفت، شهادت مؤلفین به اینکه این روایات را از افراد ثقة دریافت کردند.

این یک بحث است که آیا هر آن‌چه که سید رضی در نهج البلاغه آورده از ثقة اخذ شده به این معنا که برای او انتسابش به حضرت علی(ع) قطعی بوده و تردیدی در این نداشته است یا خیر؟

<sup>۱</sup> شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۸.

بحث دوم این است که این مطالب را به عنوان سخنان امیرالمؤمنین (ع) جمع آوری کرده و به عنوان مطالب ایشان عرضه می‌کند نه اینکه ساخته و پرداخته ذهن خودش باشد.

مسئله این است که کسی مثل سید رضی در این مقدمه به وضوح این مطالب را به حضرت علی (ع) نسبت می‌دهد و اینکه این سخنان اوست. سید رضی کسی است که در حریت، وثاقت و دیانت او تردیدی نیست. بر این اساس می‌توانیم این مقدمه را به عنوان شهادت یا کالشهادة قلمداد کنیم که این سخنان، سخنان حضرت علی (ع) است. بعد خواهیم گفت که ابن ابی الحدید در پاسخ به همین شبهه که این سخنان حضرت علی (ع) نیست می‌گوید: اگر آن‌هایی که این شبهه را مطرح می‌کنند بخواهند پافشاری کنند همین شبهه در مورد سخنان رسول خدا (ص) و سایر صحابی مطرح می‌شود و ما راهی به غیر از این برای استفاده از کلمات و سنت رسول خدا نداریم.

پس اجمالاً مطالبی که خود سید رضی در مقدمه کتاب گفته است گواه روشنی است بر اینکه سخنانی که او نقل کرده است به عنوان سخنان و مطالب و نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) است نه خودش و اینکه کسی بگوید: سخنان خودش را به نام حضرت علی (ع) مطرح کرده است با مقام شامخ سید رضی که نه فقط در بین دانشمندان و علمای شیعه بلکه در اکثر کتب تاریخ از او به عنوان کسی که شریف، مورد اعتماد و مورد وثوق بوده است، نام برده‌اند. لذا این خودش یک مؤید و شاهد محکمی است بر اینکه سخنان حضرت علی (ع) در این کتاب جمع آوری شده است.

#### شاهد دوم

شاهد دوم بر این که این سخنان حضرت علی (ع) است این است که قبل از سید رضی کتاب‌های بسیاری مشتمل بر برخی از نامه‌ها، کلمات قصار و خطب امیرالمؤمنین نوشته شده بود. حداقل ۲۲ کتاب که اثر علمای شیعه و عامه است نام برده شده که قبل از سید رضی نوشته شده بود. یعنی از قرن اول تا اوائل قرن پنجم یعنی سال ۴۰۶ که سال فوت سید رضی است. اجمالاً به تعدادی از این کتاب‌ها اشاره می‌کنم که معلوم شود اگر این‌ها ساخته و پرداخته ذهن سید رضی است، چطور قبل از ولادت سید رضی ردپای بسیاری از این مطالب را در کتاب‌های آن‌ها می‌بینیم.

۱. زید بن وهب (م ۹۶ ه ق) که خطبه‌های حضرت علی (ع) را در کتابی به عنوان «خطب امیرالمؤمنین علی المنابر فی الجمع و الاعیاد» جمع آوری کرده است. خطبه‌های حضرت علی در منبرها در جمعه‌ها و روزهای عید. این کتاب مربوط به اواخر قرن اول است یعنی چیزی حدود متجاوز از سیصد سال قبل از سید رضی نوشته شده است.

۲. نصر بن مزاحم مؤلف کتاب صفین که کتابی دارد به عنوان «خطب علی (ع)».

۳. اسماعیل بن مهران از محدثین قرن دوم و مؤلف کتاب «خطب امیرالمؤمنین (ع)» به نام خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) کتاب‌ها می‌نوشتند. بی جهت نبوده که مسعودی می‌نویسد که من با مردمی مواجه شدم که بیش از چهارصد و هشتاد و اندی از خطبه‌های علی (ع) را حفظ کردند. شهید مطهری می‌گوید: برای من معلوم نیست که آیا منظور این است که آیا از حفظ داشتند یا اینکه این‌ها را نوشتند یا هر دو، ممکن است از حفظ به معنای از بر کردن بوده یا نوشتن به هر صورت این حاکی از اهتمامی است که به خطبه‌های آن حضرت داشتند.

۴. هشام بن صائب کلبی مورخ و دانشمند معروف (م ۲۰۶ ه ق) کتابی دارد به نام «خطب علی».

۵. ابومخنف لوط بن یحیی ازدی، محدث قرن دوم هجری که کتابی دارد به عنوان کتاب «خطبة الزهرا لامیر المؤمنین»، یعنی خطبه درخشنده که برای امیر المؤمنین است.

۶. محمد بن عمرو واقدی (م ۲۰۷ ه ق) که به گفته خود سید رضی بعضی از خطبه‌های نهج البلاغه را از نوشته‌ها و خط این شخص نقل کرده است.

۷. ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی محدث و مورخ مشهور (م ۲۷۳ ه ق) چند کتاب دارد که این کتب مربوط به حضرت علی (ع) است. مثل رسائل علی امیر المؤمنین، «کلام علی فی شوری»، «الخطب» که خطبه‌های حضرت را جمع کرده است.

۸. ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (م ۲۱۵ ه ق) کتابی دارد به عنوان «خطب علی و کتبه علی عماله»، خطبه‌ها و نامه‌های حضرت به کارگزارانش.

۹. کتاب تحف العقول، نوشته حسن بن علی شعبه حرانی که در واقع مشتمل بر بهترین سخنان و عالی‌ترین کلمات حضرت می‌باشد.

۱۰. صالح بن ابی حماد ابی الخیر از محدثین قرن سوم و از اصحاب امام حسن عسکری (ع) که نجاشی کتاب خطب علی را به او نسبت داده است. با رجوع به فهرست نجاشی، تعداد زیادی از این کتاب‌ها را می‌توان دید که خطبه‌های حضرت علی (ع) را جمع آوری کردند.

۱۱. عبدالعظیم حسنی که مرقدشان در شهر ری است و از اصحاب امام رضا (ع) و از دانشمندان اوائل قرن سه می‌باشند که کتابی دارند مشتمل بر خطبه‌های حضرت علی (ع) که نجاشی آن را به او نسبت داده است.

۱۲. مسعدة بن صدقه از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) است که کتابی دارد بعنوان «خطب امیر المؤمنین».

۱۳. ابراهیم بن خزاز کوفی از دانشمندان قرن سوم که کتابی دارد به نام «الخطب لامیر المؤمنین» که نجاشی این را نقل کرده است.

۱۴. ابوعثمان جاحظ (م ۲۲۵ ه ق) از علمای مشهور عامه که کتابی دارد به عنوان «مأة حکمة من کلمات علی».

۱۵. عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری که در قرن سوم زندگی می‌کرد و به تنهایی ده کتاب درباره سخنان و مطالب حضرت علی (ع) تألیف کرده است.

لذا متجاوز از بیست و دو کتاب در مورد خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنان و کلمات قصار حضرت علی (ع) نوشته شده است که بعید نیست علاوه بر تشویق دوستان سید رضی، او با مطالعه این کتاب‌ها ایده گرفته که اقدام آن‌ها را کامل تر کرده باشد لذا با وجود این حجم از کتاب‌هایی که بخش زیادی از این‌ها در نهج البلاغه موجود است و خود سید رضی نیز بعضا اشاره کرده که من این مطلب را از کدام کتاب گرفتم؛ باز ادعا شود که بعضی از این خطب و مطالب باطل و بیهوده است و مربوط به حضرت علی (ع) نیست این حرفی است که از روی تعصب و جهل و به یک معنا عناد مطرح شده است.

شواهد دیگری نیز وجود دارد که باید بیان شوند و عمده این است که بعد از اینکه اصل صحت انتساب به امیر المؤمنین (ع) اثبات شد، فی الجمله آن نقض‌ها و ایراداتی که مطرح شده را نیز جواب دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»